

۱۶۱ زندگی از بیبه رقیبانه

۲۶۱ زندگی در مقام رسامه و خیمه

۷۶۱ هفتاد و شش سالگی در بیبه رقیبانه

۱۲ زندگی در بیبه رقیبانه

۲۱۲ هفتاد و شش سالگی

۷۶۲ زندگی در بیبه رقیبانه

۶۵۲ هفتاد و شش سالگی

۱۷۲ زندگی در بیبه رقیبانه

سرسخن بزرگدانشنده

۶۶۲ ناسخنامه

«فهرست»

۶۶۲ علی بن ابی طالب

۵ سرسخن بزرگدانشنده

۱۰ زندگی و کارهای بزرگ علوی

۲۴ پیش سخن

۲۷ درآمد

۵۱ از آغاز سده بیستم تا پایان انقلاب

۵۱ راه گشایان نوگرایی

۷۴ سرایش در خدمت پیکار سیاسی

۱۱۵ نثر در پیکار با مطلق گرایی

۱۳۹ دوره پیش از جنگ و جنگ (۱۹۱۲ تا ۱۹۲۰)

۱۵۱ سرایش و نمایندگان آن

۱۵۲ میرزا عشقی

۱۶۳ فرخی یزدی

۱۷۴ ابوالقاسم لاهوتی

۱۸۳ ابراهیم پورداوود

۱۸۶ یحیی دولت آبادی

۱۸۹ نثر

نگارش بسیار کامیاب دانست، چرا که به پایگاه اجتماعی بلندتری رسید و در زندگی شخصی خود پیشرفت کرد. همچنین کتاب سالها مورد بهره‌گیری دانشجویان و استادان ایرانشناسی در برلن خاوری بود و از آن در پژوهش‌های پرارزش جهانی که در زمینه ادبیات ایران انجام پذیرفته، برای نمونه «تاریخ ادبیات ایران» رپکا هم بهره‌گیری گشت. اما از آن سوی با جامعه آلمانی پوشیدن کتاب، خود مردم آفریننده‌ی تار و پودش، آن را در این جامعه بیگانه نشناختند و سالها از آن ناپره‌مند ماندند. بی‌گمان بهانه‌ای برای ماندن این کار پرارزش در جامعه بیگانه، هستی نداشت و روشن است که با برگردان آن به پارسی فرهنگ‌دوستان بسیاری از درون‌مایه‌اش برخوردار خواهند گشت.

یکی از خرده‌های نه چندان خردی که باید بر کتاب گرفت آن است که نگرش نویسنده بر ادبیات کهن چیزی نزدیک به هیچ است و روشن نساخته که این ادبیات نوین بروی کدام ادبیات کهنی ایستاده و بیشتر بر آن بوده که پس‌روی آن از رویدادهای سیاسی و اجتماعی را در نگر بگیرد. شاید کسانی بگویند که وی ویژه‌شناس و از آفرینندگان ادبیات نوین بوده و بر ادبیات کهن چیرگی چندانی نداشته، اما نوشتارهای شمارمندی که از وی در «فرهنگنامه ادبیات کیندر» بیرون آمده، دانش وی بر ادبیات کهن را پدیدار می‌سازد.

نویسنده چنانکه باید بر زبان ارزش ویژه‌ای نهاده و بارها یاد کرده که زبان ناکارآمد پیش از بُنگشت (انقلاب) مشروطیت ناچار خود را ساده ساخت و از کاربرد بیش از اندازه واژگان و جمله‌های تازی پرهیزید. اکنون پس از گذشت چند دهه از زمان بر زمین گذاشته شدن خامه این کتاب باید گفت ساده‌پسندی بیش اندازه و جنبش‌گریزی خود یک درد شده و بیشتر

نوارده‌ی جمعیت تاریخی و فرهنگی ایران در دهه‌ی ۱۳۵۰ میلادی

خوانندگان پارسی‌زبان به دشواری می‌پذیرند که واژه‌ای تازه را بخوانند و اگر در سرتاسر یک برگ روزنامه یا یک واژه‌تازه هم برخورد کنند، زود انگشت شگفتی بر آن می‌نهند و از رنج به یاد آوردن فراموش‌شده‌ها شانه تپمی می‌کنند. به سخن دیگر ایرانیان که پیش از بُنگشت مشروطیت پارسی بیش از اندازه دشوار، را می‌پسندیدند، اکنون پارسی بیش از اندازه ساده را می‌پسندند و در روزگاری که همه چیز دم به دم دگرگون می‌شود، در پی دگرگونی ابزار بیان همه دگرگونی‌ها نیستند. آنچه آن زمان را با هم اکنون پیوند می‌دهد «جنبش‌گریزی زبانی» است. راه باززایی و گسترش زبان را نباید بست و باید آن را نیز همانند دیگر پدیده‌های فرهنگی پیشرفت‌پذیر و دگرگون‌شونده دانست. فرهنگ‌ها، متن‌ها و سروده‌های کهن، گرایش‌های اینجا و آنجای سرزمین‌های پارسی‌زبان و زبان‌های ایرانی میانه هر کدام دارای انبوهی از واژگان خوش‌آهنگ و رسا و اصیل پارسی و ایرانی است که امروز هم زنده کردن و به کاربردنشان به توان زبان می‌افزاید و آن را می‌آراید و می‌پیراید. پاره‌ای از این گونه واژگان در این برگردان به کار کشیده شده. این کار همچون پیشنهاد کاربرد دوباره آنها در پارسی رسمی و نوشتاری یعنی پیشنهاد بکار بردن از کارافتاده‌ها، زنده کردن مرده‌ها و به یاد آوردن فراموش‌شده‌ها برای پاسخ به نیازهای امروزی زبان پارسی در رویارویی با جهان پرشتاب است.

اما این که کتاب به آلمانی نگارش یافته تنها از این نگاه زیانبار نبوده که سال‌ها از چشم‌رس آفرینندگان درون‌مایه‌اش دور مانده. چنان که می‌دانیم ادبیات در پیوند تنگاتنگی با احساس و سلیقه و عاطفه و تا اندازه زیادی وابسته به آنهاست و البته به برخی شاخه‌های دیگر فرهنگ هم تاپیوسته نیست. از اینجاست که کامیابی بازگویی سرگذشت یک ادبیات به یک

